بدانیم

## تقسیم دارایی میان زوجین

تقسیم دارایی میان زن و شوهر یکی از شروط ضمن عقدی است که در سند ازدواج ثبت شده است. حقی برای زنان که بسیاری از آن بی‌خبر هستند و حتی مردان نیز بی‌اطلاع از آنچه که روز عقد تعهد کرده‌اند تمامی بندهای سند ازدواج را امضا می‌کنند. البته تنصیف دارایی به معنای تقسیم هر آن چیزی است که در طول زندگی مشترک مرد به دست آورده و شامل دارایی‌های دوران قبل از ازدواج زوج نمی‌شود. همچنین برای تقسیم دارایی نیز شرایط خاصی حاکم است که تحقق همه شرایط برای تنصیف دارایی کمی سخت است و در حقیقت قانون‌گذار با شرایطی خاص این حق را برای زنان به رسمیت شناخته است.

در بررسی شرایط تنصیف دارایی باید به چند نکته توجه داشت. نخستین نکته این‌که زمانی زوجه می‌تواند از این شرط به نفع خود استفاده کند که طلاق صورت گرفته باشد. به عبارت دیگر امکان الزام شوهر برای اجرای شرط موصوف پیش از درخواست طلاق ناشی از درخواست وی وجود نخواهد داشت. همچنین همان‌طور که در شرط آمده طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق و رفتار وی نباشد، به عبارت دیگر چنانچه سوء رفتار و سوء اخلاق زوجه موجب شده باشد تا زوج اقدام به طلاق وی کند، شرط تنصیف دارایی محقق نخواهد شد. مِن‌باب مثال تمکین یکی از وظایف قانونی زن است، بنابراین چنانچه زنی راه نافرمانی و نشوز در پیش گیرد و از این رهگذر مرد خواستار طلاق همسر ناشزه خود باشد، دیگر شرط تنصیف دارایی در حق زن قابل اجرا نخواهد بود.

سومین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که باید حتما مرد متقاضی طلاق باشد، به عبارتی دیگر مطابق قانون طلاق به اراده مرد است؛ بنابراین چنانچه وی بخواهد از این حق قانونی خود استفاده کند، درست است که درواقع از قید و بند زندگی مشترک رهایی می‌یابد، اما ناگزیر به تمکین از شرط تنصیف دارایی خواهد بود. این در حالی است که بسیار اتفاق افتاده که متقاضی طلاق زن است؛ در حالی که دلیل طلاق سوءرفتار یا عیوبی در مرد است که زن را بر آن داشته تا اقدام به طلاق کند؛ به عبارت دیگر مواردی ممکن است محقق شود که موجب عسر و حرج زن شود و ادامه زندگی با مرد را برای وی با رنج و مشقت توأم سازد؛ لذا می‌توان شرط موصوف را به گونه‌ای تنظیم کرد که این مورد را نیز در بر داشته باشد. همچنین ملاک ارزیابی اموال در شرط تنصیف دارایی تا نصف اموال یا معادل آن است؛ به عبارت دیگر میزان و مبدأ محاسبه نصف دارایی یا معادل آن، از کمترین اموال زوج تا سقف ۵۰درصد آن است.

پنجمین نکته هم این است که زوجه این امکان را نخواهد داشت تا هر مالی از زوج را برای خود و در راستای شرط موصوف مطالبه کند؛ به عبارت دیگر شرط تنصیف دارایی فقط مختص به دارایی‌ای است که در زمان زوجیت حاصل شده باشد؛ بنابراین اموالی را که زوج پیش از ازدواج داشته است و یا به وی ارث رسیده است را نمی‌توان در راستای اجرای شرط موصوف به زوجه داد. آخرین شرطی که باید وجود داشته باشد تا شرط تنصیف دارایی به نفع زوجه قابل اجرا باشد، موجود بودن اموال حین طلاق است. بنابراین شامل اموال از بین رفته اعم از تلف یا مفقودشده نخواهد شد.

پرسش و پاسخ حقوقی

**روزنامه «شهروند» با هدف بالا بردن دانش حقوقی خوانندگان در ستون «بدانیم» سوالات و پاسخ‌های متداول حقوقی و قضائی شهروندان را منتشر می‌کند.**

**چکی با دو امضا قابل پرداخت است ولی با یک امضا تحویل شخص می‌شود. پس از مراجعه به بانک به علت عدم موجودی و نداشتن امضای دوم برگشت خورده و گواهی عدم پرداخت صادر می‌شود. دارنده چک دادخواست مطالبه وجه تقدیم دادگاه می‌کند و یکی از خواندگان مدعی است که از صدور چک اطلاع نداشته و امضا نکرده است. آیا مسئولیتی جهت پرداخت دارد یا خیر؟**

شخصی که چک را امضا نکرده نه مسئولیت جزایی دارد و نه مسئولیت کیفری و شخصی که چک را به تنهایی صادر کرده مسئول پرداخت وجه آن خواهد بود و دادگاه وی را به پرداخت وجه چک محکوم خواهد کرد.

**پرسش قذف چیست؟ حکم آن چیست؟ آیا اگر کسی به ما فحش ناموسی بدهد می‌توانیم از او شکایت کنیم. پاسخ اجمالی:**

«قَذف»؛ در لغت به معنای انداختن، گذاشتن و رها کردن آمده است و در اصطلاح فقهی، عبارت است از این‌که به مرد یا زن، تهمت و نسبت زنا یا لواط زده شود، به‌طوری که نتوان آن را با بیّنه ثابت کرد؟!

چنانچه در درگیری‌ها شخصی نسبت زنا به کسی بدهد یا فحش ناموسی بدهد که مثلا تو فاحشه هستی یا مثلا زن تو یا مادر فلان است و اگر نتواند در دادگاه ثابت کند این مورد موجب حد قذف است که مجازاتش ۸۰ ضربه شلاق خواهد بود و صرفا شهادت در دادگاه کافی نیست، حتما باید ۴ مرد عادل شهادت بدهند که مثلا فلان خانم فاحشه است. اگر این شهادت داده شود شخصی که گفته مجازات نمی‌شود ولی اگر نتواند ثابت کند مجازات خواهد شد

حد شخص قاذف (تهمت زننده) این است که به او هشتاد تازیانه زده می‌شود. [۳] همان‌طور که در قرآن کریم می‌خوانیم: «کسانی که زنان عفیفه پاکدامن را به زنا متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد نمی‌آورند، به آنان هشتاد تازیانه بزنید و هرگز شهادتی را از آنان نپذیرید و اینها هستند که در حقیقت بدکار و نافرمان‌اند.»

### حقوقدانان به بررسی عملکرد قوه‌قضائیه در سال اخیر پرداختند

# سالی که در قوه قضائیه گذشت

عکس: GettyImages

**مهرنوش گرکانی - شهروند حقوقی |** دستگاه قضا و امر قضاوت اهمیت و نقش بنیادینی در جامعه دارد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با حساسیت و دقت خاصی متعرض این امر شده و موقعیت، اهداف و وظایف قوه‌قضائیه را بیان کرده، به‌طوری که در مقدمه قانون اساسی «مسأله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم، امری حیاتی» شمرده شده است. در سال‌های اخیر قوه‌قضائیه اقداماتی را در مبارزه با مفاسد اقتصادی انجام داده، اما سوال مهمی که در رابطه با دستگاه قضائی کشور به ذهن می‌رسد این است که تا چه میزان توانسته نسبت به این پرونده‌ها اقدامات موفقیت‌آمیز انجام دهد؟ علاوه بر آن نیز باید به این نکته نیز توجه کرد که آیا این میزان از اقدامات برای پیشگیری از فسادهای بزرگ کافی است؟ همچنین آیا توانسته است برای پرونده‌های عادی و جرایم کوچکی که برای عموم مردم رخ می‌دهد، از خود کارآمدی و اقتدار نشان بدهد؟ سوال دیگری که مطرح می‌شود این است که سخنان مقام معظم رهبری در طول سال‌های اخیر در خصوص عملکرد قوه‌قضائیه تا چه میزان اجرایی شده است؟ آیا جامعه از عملکرد دستگاه قضا رضایت داشته است؟

حبس‌زدایی یکی از نکاتی که باید در خصوص عملکرد قوه‌قضائیه به آن اشاره کرد، حبس‌زدایی است. می‌توان گفت قوه‌قضائیه گام‌هایی را برای از بین بردن معضلی که بسیاری از مجرمان عمدی و غیرعمدی و خانواده‌های آنان را درگیر و دچار مشکلات بسیاری در معیشت کرده، برداشته است. در سال‌های گذشته با بررسی عملکرد دستگاه قضائی در برخورد با معضلات و مشکلات حقوقی که مردم با آن سروکار دارند، مشاهده می‌شود که این قوه اقدامات مناسبی را در رابطه با حبس‌زدایی و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس شروع کرده است. البته که این میزان از تلاش‌ها قابل تقدیر است، اما به اندازه کافی نیست و نیاز به اقدامات گسترده‌تری را می‌طلبد.

مقام معظم رهبری نیز در هفتم تیرماه ۱۳۹۱ در دیدار با مسئولان دستگاه قضائی کشور، در سخنانی با بیان این‌که «در آن مواردی که جرمی به معنای واقعی کلمه اتفاق نیفتاده است، نباید ما متوسل به زندان شویم»، تاکید کردند: «در مجموعه قوه‌قضائیه کاری کنید که مجازات زندان به حداقل برسد؛ این احتیاج دارد به تدبیر. البته تدابیری اتخاذ شده؛ بعضی درست، بعضی نادرست که نمی‌خواهیم وارد جزییات و مسائلش بشویم لیکن مجموعا زندان یک پدیده نامطلوب است؛ مشکلات زندان، تبعات زندان، تبعاتی که برای خود زندانی پیش می‌آید، تبعاتی که برای خانواده‌ها پیش می‌آید، تبعاتی که برای محیط کار پیش می‌آید. بنابراین سیاست قوه‌قضائیه را این قرار بدهید و دنبال کنید؛ فکر کنید، راه پیدا کنید، علاج‌جویانه؛ یکی باید این باشد که مسأله زندان حل شود؛ هم از جهت این که جنبه مجازاتی زندان تبدیل نشود به یک شی دیگر؛ دوم این که هر چه ممکن است، مجازات زندان کاهش پیدا کند و تبدیل بشود به مجازات‌های دیگر، تا تبعات زندان دامنگیر جامعه نشود.»

**جرایم بزرگ اولویت ویژه دارند**

مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان قوه‌قضائیه و برخی قضات در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۵ به اهمیت مبارزه با جرایم بزرگ اشاره اشاره کردند و فرمودند: «باید بسیار پرهیز کرد از این که خدای نکرده جرایم کوچک در چشم افراد یا مؤثرین قوه‌قضائیه بزرگ جلوه کند و جرم‌های بزرگ، کوچک به نظر آید. جرم، جرم است؛ فرقی نمی‌کند و باید طبق قانون، هر جرمی - چه کوچک و چه بزرگ - تعقیب شود؛ لیکن خیلی مهم است که اهتمام دستگاه‌ها به چه چیزهایی باشد. در سال‌های اخیر مبارزه با فساد اقتصادی بیشتر مورد توجه قرار گرفت و دستگاه‌ها ترغیب به مبارزه جدی در این موضوع شدند. اهتمام به این کار به‌خاطر آن است که مفاسد اقتصادی، جریان آلوده‌ای است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، کل فضا را آلوده خواهد کرد. بحث یک جرم منفرد و تک‌افتاده نیست؛ برخورد با مفاسد اقتصادی برای نظام اهمیت حیاتی دارد.

**پیام ۸ ماده‌ای مقام معظم رهبری در مبارزه با فساد اقتصادی**

یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی تحقق عدالت و ریشه‌کن شدن مفاسد حوزه اقتصاد است. مفاسد اقتصادی از چالش‌های موجود نظام اقتصادی کشور است که پیامدهایی از قبیل تخصیص غیربهینه منابع، آثار منفی بر کارایی و رشد اقتصادی، پایمال شدن حقوق افراد و... خواهد داشت. اهمیت مبارزه با مفاسد اقتصادی این است که جرایم مذکور، مانع از شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی سالم و مولد شده و منابع را به سمتی سوق می‌دهد که نه تنها منجر به ایجاد ثروت نمی‌شود، بلکه سبب تضییع منابع نیز می‌شود. ضرورت امر مبارزه با مفاسد اقتصادی در کلام مقام معظم رهبری نیز مورد تاکید قرار گرفته است. ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۸۰ مصادف با صدور پیام مهم مقام معظم رهبری خطاب به روسای قوا برای مبارزه با مفاسد اقتصادی بود.

پیامی که در آن رهبری مبارزه با مفاسد اقتصادی را ضروری خوانده و عنوان کردند که امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است . در این فرمان آمده است: «امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است و این همه به فضایی نیازمند است که در آن سرمایه‌گذار و صنعت‌گر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب همه احساس ناامنی و نومیدی خواهند کرد و کسانی از آن به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.»

**پرونده‌های عادی و زمان طولانی رسیدگی**

پرونده‌های عادی که در رابطه با طیف عظیمی از شهروندان هستند، حجم بسیار زیادی را به خود اختصاص داده است، به‌طوری که رئیس قوه‌قضائیه حجم پرونده‌های وارده در سال ۹۳ را ۱۵ میلیون بیان کرد و همچنین در گفت‌وگویی درباره این موضوع گفت: این رقم بسیار بالاست در برخی نقاط حجم رسیدگی‌ها بیشتر از پرونده‌های وارده بوده برای مثال در سازمان ثبت اسناد ۵۷ میلیون خدمت انجام شده است.

با وجود حجم عظیم این پرونده‌ها در قوه‌قضائیه طیف گسترده‌ای از شهروندان درگیر دستگاه‌های مختلف قضائی هستند که نهایت تلاش این قوه برای دادرسی در کوتاه‌ترین زمان ممکن و مطابق با عدالت را می‌طلبد؛ به این علت که هدف از وجود قوه‌قضائیه این است که مردم در جامعه احساس آرامش کنند؛ بدانند که اگر کسی به حقوق آنها تجاوز کرد، جایی هست که به آن رسیدگی می‌کند؛ بدانند که اگر قوی‌ترین اشخاص، حق کسی را ندیده گرفتند، یا پایمال کردند، یک دستگاه قضائی وجود دارد که شجاعانه و بی‌نظر و بی‌غرض، میدان‌داری می‌کند و حق را به حق‌دار می‌رساند. اگر بتوان این احساس را در جامعه ایجاد کرد، می‌توان گفت که قوه‌قضائیه موفق عمل کرده است. اگر این حالت اطمینان در جامعه به وجود آید، هیچ‌کدام از این جوسازی‌ها و دشمن‌گفته‌ها هم به جایی نخواهد رسید؛ چون مردم در عمل، حضور و آمادگی قوه‌قضائیه را مشاهده می‌کنند و رسیدگی و شجاعت و نترسیدن قاضی از تهدید را می‌بینند. اگر نتوانستید این غرض اصلی را تامین کنید، همه آن اشکالات وارد خواهد شد. برای ارزیابی قوه‌قضائیه، باید این معیار را به کار بگیرید؛ ببینید چقدر این حالت اعتماد در مردم به وجود آمده است؛ هر مقدار به وجود آمده است، همان مقدار موفقیت وجود دارد. اگر ۹۰درصد، اگر ۸۰درصد، اگر ۵۰درصد یا اگر یک روز صددرصد این حالت اعتماد به وجود آید، آن وقت قوه‌قضائیه به همان اندازه توفیق پیدا کرده است.

علیرضا آذربایجانی، حقوقدان و نایب‌رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز

## کوتاه‌شدن اطاله دادرسی الزامی است

بررسی عملکرد هر یک از قوا از جمله قوه‌قضائیه در قالب اکثریتی تابع همراهی و هم‌گامی و سنجش عملکرد دو قوه دیگر است. درواقع بخش قابل توجهی از عملکرد قوه‌قضائیه به همراهی سه قوه با هم برمی‌گردد. بنابراین نمی‌توان به‌صورت مطلق هر یک از قوا را کامل و مستقل ارزیابی کرد. اما در بخش دیگر که قوه‌قضائیه استقلال دارد، خودش می‌تواند در نتیجه عملکردش در پایان یک دوره موثر باشد. در هر صورت قوه‌قضائیه تلاش‌هایی را در جهت بهتر انجام‌شدن امور کرده است، ولی چند نکته اگر در قوه‌قضائیه جدی‌تر و مناسب‌تر پیگیری می‌شد، می‌توانست آثار بهتری را به‌دنبال داشته باشد. نخستین نکته بحث بسیار مهم و مبنایی است که آن بحث علمی شدن احکام دادگستری است. درواقع دادگستری در رسیدگی‌ها و صدور احکام در مراحل مختلف اعم از بدوی یا تجدیدنظر یا دیوان کشور یا مراحل استثنایی باید سعی کند هر آنچه می‌تواند احکام از لحاظ استنادات قانونی و قوت استدلالی و همگامی با نظام حقوقی ایران و جهان جلوتر رود. در این امر قوه‌قضائیه می‌توانست موفق‌تر از این عمل کند. نکته دوم بحث طولانی بودن احقاق حق در دادگستری ایران است. در دادگستری ایران به دلایل مختلفی جریان طولانی دادرسی منجر به این می‌شود کسانی که ادعاهای کوچک دارند و عملا برای‌شان فرقی نمی‌کند، به دادگستری مراجعه کنند. دلیل آن این است که زمان برای رسیدگی‌ها بسیاری طولانی است و عوامل دیگر نیز آن قدر دست به دست هم می‌دهد که نتیجه کار از لحاظ زمانی که خواهان باید صرف بکند، جبران‌پذیر نیست. دادگستری باید به سمتی برود که بتواند حداقل اطاله دادرسی را در بخشی از دعاوی کوتاه‌تر کند. البته که موضوع بحث، دعاوی‌ای است که رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه‌ها و دادگستری است. بحث سومی که می‌توان به آن اشاره کرد، بحث مقابله قوه‌قضائیه با فساد است. قوه‌قضائیه باید با قوی‌ترین و دقیق‌ترین شیوه‌ها با فساد در خود قوه‌قضائیه برخورد و هر چه که می‌تواند این بدنه را سالم‌تر کند.

محمد کاظمی، حقوقدان و نایب‌رئیس کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی

## کاهش میزان اطاله دادرسی با افزایش حجم زیاد پرونده‌ها

قوه قضائیه در حال حاضر با حجم عظیم پرونده‌هایی مواجه است که منشأ آنها مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی است. به‌خصوص به لحاظ شرایط بد اقتصادی کشور شاهد آن هستیم که پرونده‌هایی از قبیل چک بلامحل، اختلاس‌ها، کلاهبرداری‌ها و دیگر مسائل مالی، سرقت‌های ناشی از مسائل اقتصادی و فقر مادی است. ناهنجاری‌های اجتماعی که قاعدتا منجر به مسائلی می‌شود که پرونده کیفری برای اشخاص تشکیل شود. همچنین مسائل اخلاقی که ریشه بسیاری از آنها می‌تواند مسائل اقتصادی باشد. در کنار این حجم عظیم کار، متاسفانه قوه‌قضائیه عده لازم را برای رسیدگی به این پرونده‌های پرحجم و متعدد ندارد. لذا دیده می‌شود که رسیدگی‌ها عموما طولانی می‌شود و همین اطاله دادرسی اسباب نارضایتی بین مردم را فراهم آورده است. قوه‌قضائیه، هم به لحاظ مسائل ساختمانی و جا و مکان و هم به لحاظ کمبود کادر اداری و قضائی مشکلاتی دارد. همچنین مشکلاتی مانند کمبود جا در زندان‌ها و کم‌اثربودن اجرای مجازات‌ها از جهت پیشگیری از وقوع جرم و جوان‌بودن جامعه که می‌تواند منشأ بسیاری از پرونده‌های کیفری باشد، این نکات قوه‌قضائیه را در بسیاری موارد دچار چالش کرده است. با توجه به این نکات دیده می‌شود که رضایت چشمگیر و چندانی از قوه‌قضائیه در جامعه دیده نمی‌شود. بحث شوراهای حل اختلاف که در کنار دستگاه قضائی تشکیل شدند، به اندازه‌ای از حجم پرونده‌های وارده به قوه و اطاله دادرسی‌ها به میزان ۲۰ تا ۳۰درصد کم کرده است. البته قوه‌قضائیه لایحه جرم‌زدایی را در حال تدوین دارد. همچنین بسیاری از مواردی که جنبه خلاف دارد را باید از بدنه قوه‌قضائیه جدا و به شوراهای حل اختلاف و نهادهای داوری محول کنیم.

محمدعلی اسفنانی، حقوقدان و دادیار دیوانعالی کشور

## هماهنگی بین سه قوه، لازمه عملکرد بهتر

قوه‌قضائیه در چند بعد قابل توجه و بررسی است. یکی از آنها بحث پیشگیری از وقوع جرم است که یکی از مهمترین وظایف قوه‌قضائیه طبق قانون اساسی است. لذا قوه‌قضائیه باید بتواند در این عرصه نقش‌آفرین باشد و کارکرد این قوه در این زمینه تا حدی قابل قبول است. آنچه باید قوه‌قضائیه به‌عنوان اولویت در نظر بگیرد همین بحث پیشگیری از جرم است. همچنین ناگفته نماند که قوه‌قضائیه به‌عنوان متولی امر این وظیفه را بر عهده دارد، اما صرفا قوه‌قضائیه نمی‌تواند به تنهایی در این زمینه فعالیت کند و نیاز است تا قوا و دستگاه‌های دیگر در این زمینه همکاری کنند، زیرا ارتکاب جرایم در هر کشوری زمینه‌هایی را لازم دارد و این زمینه‌ها ممکن است از ناحیه قوای دیگر نیز ایجاد شود و نیاز است که بسترهای لازم برای ارتکاب جرم فراهم نشود. شایسته است تا همه دستگاه‌ها این اهمیت را قایل شوند که در ارتکاب جرایم و ایجاد بستر ارتکاب جرم با یکدیگر هماهنگ باشند و همکاری‌های لازم را انجام دهند. بخش دیگری از وظایف قوه‌قضائیه رسیدگی به دعاوی مردم است که آن خود تقسیم‌بندی‌هایی از جمله رسیدگی جزایی، رسیدگی مدنی و حقوقی و رسیدگی به بحث خانواده را دارد، همچنین رسیدگی‌های مربوط به سازمان‌ها و ادارات دولتی را که دیوان عدالت اداری هم متولی این امر است، نیز عملکرد قوه‌قضائیه پس از برخورد با مفاسد اقتصادی و برخورد با مسائلی که اقدام‌های اخیر در کشور بیشتر به آنها دامن زده است که حقیقتا کنترل آن کار سختی بود، اما کارهای انجام‌شده قابل قبول بود. این نکته که قوه‌قضائیه هیچ خط قرمزی غیر از عدالت قایل نباشد و احقاق حق را به‌عنوان مهمترین هدف داشته باشد، یکی از مواردی بود که قوه به آن توجه کرد و به نظر می‌رسد موفقیت‌های قابل توجهی نیز در این زمینه داشته است. هر چند باید اطلاع‌رسانی بیشتری شود. بخش دیگری از جمله وظایف و کارکرد قوه‌قضائیه در بحث بازرسی و نظارت بر حسن اجرای قوانین است که سازمان بازرسی کل کشور با یاری‌های قوه‌قضائیه عملکرد خوبی در طول سال‌های اخیر توانسته ارایه کند، اگرچه وسعت کار به قدری زیاد است که انتظارات تا حد کامل برآورده نشده، اما به هر حال به نظر می‌رسد کار بزرگی در این زمینه صورت گرفته است. در هر صورت با توجه به اقداماتی که انجام شده اما می‌توان گفت این اقدامات کافی نبوده است. قوه‌قضائیه لازم است در آینده اقداماتش را در زمینه‌هایی پررنگ‌تر کند. یکی از این اقدامات بحث قضا و قضاوت و احقاق حقوق مردم است که لازم است در این زمینه قوه‌قضائیه به دو موضوع توجه کند، یکی بحث آموزش حقوقی جامعه است. متاسفانه یک از گرفتاری‌هایی که در دادگاه وجود دارد و موجب کندی اطاله دادرسی می‌شود، نداشتن اطلاعات کافی مردم در زمینه حقوقی است. قوه‌قضائیه می‌تواند به همراه سایر دستگاه‌ها در این زمینه اهتمام ورزد و مردم را از حقوق عامه مطلع کند. بحث دیگری که مطرح است موضوع داوری و رسیدگی به صورت داوری که در قانون پیش‌بینی شده، است. متاسفانه بحث صلح و سازش و داوری در کشور ما بسیار بی‌رنگ است و نتوانسته‌ایم این مباحث را وارد مسائل حقوقی کنیم. اگر قوه‌قضائیه به بحث داوری بیشتر بپردازد و با وکلا و متخصصان جلساتی درباره داوری و سازش داشته باشند، می‌توان تعداد بالای تشکیل پرونده‌ها در کشور را کاهش داد. بعد دیگری که قوه‌قضائیه در شرایط کنونی باید به آن توجه کند، تاکید فراوانی است که مقام معظم رهبری در بحث اقتصاد داشتند. قوه‌قضائیه می‌تواند با سازوکاری در بحث تنظیم و تدوین وقایع مربوط به انجام معاملات و حذف قوانین زائد در بحث معاملات، لوایح قابل قبولی را ارایه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند